

## آثار اجتماعی بقعه‌ی حضرت احمد بن موسی (ع) بر شهر شیراز

هاجر راستی<sup>۱</sup>

زینب خسروجردی<sup>۲</sup>

### چکیده

با رواج اسلام در ایران و گسترش مذهب شیعه در قرون اولیه اسلامی، شهرها و روستاهای ایران به مراکزی برای زندگی اهل بیت و فرزندان ایشان و پس از وفات، آرامگاه هایشان به محلی برای زیارت مشتاقان تبدیل شده است به طوری که این مکان‌ها یکی از جنبه‌های مهم فرهنگی و اجتماعی در زندگی مردم را به حساب می‌آید. شیراز یکی از شهرهای مهم ایران است که وجود بقعه‌ی حضرت احمد بن موسی (ع) از لحاظ اجتماعی، تأثیرات شگرفی بر این شهر داشته است. در پی تأسیس مدرسه-های علمی، علما و سادات از شهرهای مختلف به این شهر مهاجرت کرده و بقعه مکانی برای تجمع سادات شد، از این رو بقعه احمد بن موسی (ع) در زندگی قشرهای مختلف اجتماعی، ایجاد نهادهای اجتماعی نقش چشمگیری داشته است. این پژوهش بر آن است تا با استفاده از روش کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی تحلیلی به بررسی آثار اجتماعی بقعه احمد بن موسی (ع) بر شهر شیراز بپردازد.

**کلیدواژه‌ها:** بقعه، احمد بن موسی (ع)، شیراز، آثار اجتماعی.

---

۱. کارشناس ارشد تاریخ اسلام.

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه شیراز.

## مقدمه

بقعه‌ها در گستره فرهنگ ایرانی از ابتدای تاریخ تا عصر حاضر، هویت خود را حفظ کرده‌اند. از ویژگی‌های امامزاده و بقعه‌ها این می‌باشد که در ایران اسلامی امامزاده به طور کلی یک بنای بقعه‌ی مشخصه و نمایانگر خصوصیات هویت یک شهر یا روستا است. از آنجا که در باور بعضی مردم، بزرگانی که در امامزاده‌ها به خاک سپرده شده‌اند دارای قرب الهی هستند؛ همچنین به خاطر قداست، معنویت و کراماتی که در این مکانهای شریف مشاهده می‌شود، مردم برای ادای حاجات و طلب نیازهایشان دست به دامان آنها می‌شوند. بقاع متبرکه امامزادگان (ع) به خاطر عشق و ارادت مسلمانان به خاندان عترت و فرزندان ایشان، منزلگاهی برای عبودیت انسان‌های خداجوی و ملجأ و پناهگاهی برای دردمندان و حاجت‌مندان است تا با تمسک و توسل به خاندان شریف اهل بیت علیهم السلام مورد تقرب و تفضل الهی قرار گیرند. (چهارزی و همکاران، ۱۳۹۱: ۷)

بقاع متبرکه همواره در طول زمان، مظهر حیات دینی بوده و هویت تاریخی و دینی را قوام بخشیده‌اند. از سوی دیگر ایمان و ارادت قلبی هنرمندان در به وجود آوردن سبک‌های معماری و کاربرد هنرهای تزیینی در اماکن مزبور، باعث شده که این بقاع، به عنوان میراث فرهنگی گذشتگان برای نسل‌های آینده به ارمغان گذاشته شود، این مکان‌ها محل فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و همچنین محل برگزاری مراسم آیینی و مذهبی خاص مناطق بوده و هستند.

به طور کلی می‌توان گفت: بقعه‌ی امامزادگان در طول تاریخ مسلمانان، به‌خصوص شیعیان و امدار تحولات اساسی معنوی و مادی بوده‌اند. در هر مکانی که قبور ائمه (ع) و فرزندان ایشان وجود داشته است، آن مکان از برکت وجود مقدسشان برخوردار بوده و زندگی مردمان آن مکان حول محور آن سلاله اهل بیت (ع) در گردش بوده است، در ایران قبور ائمه و فرزندان ایشان همواره مورد توجه بوده است، مرقد مطهر حضرت امام رضا (ع) در مشهد،

حضرت معصومه (س) در قم، حضرت احمد بن موسی شاه‌چراغ (ع) در شیراز و دیگر امامزادگان، به شهرهایی که این قبور مطهر در آن‌ها قرار دارد، هویت دینی بخشیده و در طول تاریخ آثار پربرکتی را به وجود آورده‌اند.

در دل خاک شهر شیراز امامزادگان والامقام و بزرگوار، چون حضرت احمد بن موسی معروف به شاه‌چراغ (ع)، حضرت محمد بن موسی معروف به سید میر محمد (ع)، حضرت حسین بن موسی معروف به سید علاءالدین حسین (ع) و حضرت علی بن حمزه بن موسی (ع) از فرزندان و نوادگان امام همام حضرت موسی کاظم (ع) امام هفتم شیعیان و امامزادگان دیگر آرمیده‌اند، شیراز فضای روحانی و مذهبی خود را وامدار این امامزادگان می‌باشد.

تأثیرات و برکات وجود این بقعه‌های مقدس در تمامی جنبه‌های هنری، فرهنگی، مذهبی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، روانی و تاریخی زندگی مردم و شهر شیراز مشهود می‌باشد. در یک جمله مختصر، مقبره هر کدام از این امامزادگان قلب تپنده شهر شیراز هستند که دیگر اجزای آن را زنده و پویا نگه می‌دارند. در این مقاله توجه خود را معطوف به آثار و برکات وجود مرقد مقدس امامزاده حضرت احمد بن موسی شاه‌چراغ (ع) در شهر شیراز کرده‌ایم.

### حضور سادات و علما در شیراز و تأسیس مدارس علمیه

تعدد مدرسه‌های علمیه به دلیل وجود بقعه حضرت شاه‌چراغ (ع)، در شیراز باعث تجمع سادات و علما شد که جهت تحصیل در مراکز علمیه از نقاط مختلف به شیراز مهاجرت کرده و اسکان یافتند.

مجدالدین محمد حسینی در کتاب *زینت المجالس* می‌گوید: «در آن جا [شیراز] طلبه علوم بسیار می‌باشند و از اطراف ولایات مردم به جهت تحصیل و تکمیل به آن جا می‌روند و اکثر اوقات فضلالی صاحب تحقیق از آن جا برمی‌خیزند» (حسینی، ۱۳۵۹: ۴۰۷). در ادامه می‌گوید: «سادات صحیح النسب در شیراز می‌باشند و در آن بلده مینو بسیار است» (همانجا).

از جمله ساداتی که جهت تحصیل به شیراز آمدند سادات رضوی هستند که اصل این سادات از مشهد مقدس بوده و اجداد آنها ابتدا به آباءه فارس می‌آیند. در سال ۱۲۳۳ق، حاجی سید معلم، حاجی آقا مؤمن، حاجی سید میرزا از افراد این سلسله سادات جهت تحصیل مراتب علمیه به شیراز می‌آیند و هر یک سرآمد اقران می‌شوند (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۹۱۷/۲).

حاج سید ابراهیم مجتهد طباطبایی در سال ۱۲۴۳ق. در بهبهان متولد گشته و در جهت کسب کمالات علمیه در خدمت علما شیراز بوده و طلاب علوم را مستفیض می‌کرد (همان: ۱۰۸۶/۲).

حاجی سید ابراهیم حسینی همراه پدرش حاجی میر محمد تقی تاجر اصفهانی در اوائل قرن سیزدهم به شیراز می‌آید و در سال ۱۲۶۰ق. در شیراز به رحمت ایزدی می‌پیوندد و از فرزندان او میرزا سید محمد است که مدتی کسب کمالات علمیه می‌کند (همان: ۹۸۰/۲).

مهاجرت سادات موسوی مشهور به سادات مولی، اصل این خانواده از ناحیه جزیره خوزستان و شوشتر بوده است که جد اعلای آنها سید عبدالرضا پسر سید محمد پسر سید مبارک پسر سید عبدالمطلب پسر سید حیدر پسر سلطان سید محسن پسر سید محمد مشعشی موسوی بوده است. سید عبدالرضا در حدود سال ۱۰۲۰ق. از جزیره به شیراز آمده و به مناصب عالییه می‌رسند (همان: ۹۷۸/۲).

سادات شریفی حسینی: سید شریف جرجانی جد اعلای این سادات در سال ۷۷۷ق. از دارالملک جرجان [گرگان] وارد فارس گردید و شاه شجاع مظفری مقدم او را گرامی داشته و از او می‌خواهد که در مدرسه دارالشفا تدریس کند (حسینی فسایی، بی تا: ۳۹).

میرزا سید علی خان در سال ۱۱۱۶ق. از مکه معظمه به شیراز می‌آید (همان: ۲۹). حاجی شیخ محمد طاهر که اصل آن از جزایر عراق است سال‌ها در عتبات عالیات و نجف اشرف تحصیل علوم دینی نمود و به مرتبه اجتهاد رسید و به شیراز آمد و به نشر مصالح فقیهه و امامت مسجد هاشمیه شیراز مشغول می‌شود (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۹۱۵/۲).

آقا خلیل مدرس (خانواده مدرسی‌ها)، این خاندان ابتدا در خراسان بوده‌اند و بعد به اصفهان می‌آیند و اولین کسی که از این خاندان به شیراز آمد آقا خلیل مدرس است که بعد از ورود به شیراز در جوار مدرسه حکیم منزل گرفته و مدرس این مدرسه می‌شود (همان: ۹۳۵/۲). حاجی شیخ مهدی مجتهد کجوری مازندرانی در سال ۱۲۵۷ق. از عتبات عالیات و نجف اشرف به شیراز آمد (همان: ۹۷۴/۲).

میرزا مجدالدین محمد جدّ نگارنده *فارسنامه* ناصری در سال ۱۱۰۵ق. در حیدرآباد دکن هند متولد می‌شود و در سال ۱۱۱۱ق. از حیدرآباد به خدمت سید علی خان در مکه معظمه می‌رود و به همراه ایشان به شیراز می‌آید و در شیراز متوطن می‌شود (همان: ۹۲۴/۲).

شیخ حسین جزایری جد اعلاّی خاندان امام جمعه از جزایر عراق عرب به شیراز می‌آید و مروج مذهب اثنی عشری می‌گردد و احادیث و اخبار اهل بیت نبوت را گوشزد خاص و عام می‌کند (همان: ۹۸۵/۲). حاج شیخ عبدالجبار که اصل از چهارم فارس است، بعد از کسب کمالات علمیه در عتبات عالیات به شیراز مهاجرت می‌کند و در محله سر باغ اقامت می‌کند و امامت مسجد حاجی میرزا محمد تاجر را قبول کرده و مدرس مدرسه حسینیه قوام الملک می‌شود (حسینی فسایی، بی تا: ۷۹).

از دیگر آثار وجود بقعه تجلیل و تکریم سادات شیراز بوده است. علویان و سادات، افراد جلیل‌القدر و صاحب نفوذی هستند که به ائمه اطهار منتسب هستند و از فرزندان امام علی (ع) و حضرت فاطمه (س) می‌باشند. به همین علت آنها را «اولاد پیامبر (ص)» می‌نامند. محبوبیت و نفوذ علویان در ایران یکی از عوامل نفوذ تشیع در ایران است، این علاقه‌مندی از باورهای دینی ایرانیان سرچشمه می‌گیرد. در عصر حاضر آمار سادات از رقم بالایی برخوردار است و در اجتماع مورد احترام شمرده می‌شوند. مرقد حضرت احمد بن موسی (ع) و برادران بزرگوارش همواره مرکز توجه سادات بوده است و عده‌ای از آنها که مورد احترام بوده‌اند از نقاط مختلف جهان اسلام به این شهر جذب کرده است.

زرکوب شیرازی یک قسمت شیرازنامه (۷۴۵ق.) رابه معرفی طبقه سادات اختصاص داده است که نشان‌دهنده تعدد، نفوذ و احترامی است که سادات در این شهر داشته‌اند. وی در معرفی این قسمت می‌گوید: «در ذکر طبقه سادات عظام و طایفه‌ایی از اهل بیت و دودمان عصمت و طهارت که به مرقد مبارک و مقدم مبارک ایشان زمین شیراز مطیب و مشرف گشته» (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۱۹۶) و نام امامزادگان و نقیبان را با احترام ذکر می‌کند. نام حضرت احمد بن موسی (ع) را به این نحو ذکر می‌کند: «منهم الامام بن الامام و المزن بن الغمام و السیف بن الصمام و اشبل بن الضرغام، کشف الضر و البئوسی، الامام احمد بن موسی (ع) شرفات شرف آثار مزار مقدس و معالی رتبت تربت معطر امامزاده معصوم کا الشمس الشارقه بین الکواکب و النجوم، به مشهور و مکتوب از آن برتر است» (همان: ۱۹۷). یعنی یکی از آنان امامی است فرزند امام، ابری از رحمت فرزند ابرهای باران‌زا (ابر و باران نماد رحمت و نعمت است) شمشیری برآن فرزند شمشیر قاطع، شیر بچه‌ایی فرزند شرزه شیر، از بین برنده سختی و تنگدستی، امام احمد بن موسی (ع) که آثار مبارک مزار مقدس ایشان و عالی رتبه تربت معطرش مانند خورشید درخشان میان ستارگان کوچک و بزرگ نمایان و مشهور است.

در ادامه می‌گوید: «پدر نامدارش امام معصوم موسی الکاظم بن الامام جعفر صادق و ... در شهور سنه ثلاث و ثمانین و مائة در مدینه السلام بغداد وفات کرد و قبر مبارکش هم در آن جاست» (همان‌جا)، و با چنین احترامی که از حضرت احمد بن موسی (ع) نام می‌برد خود دال بر احترام سادات در نزد آنان می‌باشد.

ابن بطوطه که در زمان ابواسحاق اینجو به شیراز آمده در ارتباط با سادات می‌گوید: «شیراز از جمله شهرهایی است که سید در آن بس زیاد است و من از اشخاص موثق شنیدم که عده سادات شیراز آن‌ها که مستمری دارند از کوچک و بزرگ هزار و چهار صد و کسری است و نقیب آن‌ها عضد الدین حسینی است» (ابن بطوطه، ۱۳۳۷: ۲۰۵). عده این سادات و داشتن نقیب حاکی از این می‌باشد که سادات مورد احترام بوده‌اند.

در زمان مسافرت ابن بطوطه به شیراز در ابتدای نیمه دوم قرن هشتم بقعه حضرت احمد بن موسی (ع) مکانی بوده که سادات می‌توانستند در آن تجمع کنند و مراسم مذهبی خود را با احترام تمام و به همراه مادر حاکم شیراز (تاشی‌خاتون) برگزار کنند. ابن بطوطه می‌گوید: در این دوره بقعه حضرت احمد بن موسی (ع) در نزد شیرازیان احترام تمام داشته است و برای تبرک و توسل به زیارت آن می‌رفته‌اند و محل تجمع سادات شیراز بوده است و توسط تاشی‌خاتون مراسم باشکوهی در جوار مرقد مطهر این حضرت برگزار می‌شده است و در آخر مراسم بر در مقبره مانند سرای پادشاهان طبل و شیپور می‌زده‌اند (همان: ۲۰۵-۲۰۴).

حاکمان به دلیل احترامی که برای سادات شیراز قائل بودند، آن‌ها را به مقام بالا منصوب می‌کرده‌اند. شاه اسماعیل که در سال ۹۰۹ق، به شیراز آمد تولیت آستانه حضرت شاه‌چراغ (ع) را به سید میرزا حبیب‌الله شریفی، از نسل میر سید شریف جرجانی واگذار کرد و تولیت آستانه شاه‌چراغ در خاندان سید شریفی به صورت موروثی باقی ماند. از جمله افراد این خاندان که تولیت آستانه حضرت شاه‌چراغ (ع) را بر عهده داشته‌اند: بعد از میرزا حبیب‌الله پسر بزرگش شاه خلیل‌الله می‌باشد تا زمان حمله افغانان این مقام در خاندان شاه خلیل‌الله باقی ماند، زمان حکومت افغانان در شیراز تولیت آستانه از خاندان شریفی خارج و از طرف افغانان به بدیع‌الزمان نامی داده شد. بعد از سرکوب فتنه افغان توسط نادرشاه، تولیت آستانه به میرزا محمد حسین شریفی از اولاد ذکور شاه ابوالقاسم پسر دیگر میرزا حبیب‌الله شریفی منتقل می‌شود و تا زمان تألیف *فارسنامه ناصری* در بین برادرزادگان ابوالقاسم باقی مانده بود (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۹۴۳/۲-۹۴۴).

از جمله متولیان آستانه شاه‌چراغ (ع) از خاندان شریفی امیر سید عبدالنبی شریفی الحسینی معروف به آقامیرزا عبدالنبی (۱۱۵۱-۱۲۳۱ق.) و پسر میرزا عبدالنبی، سید عبدالقاسم شریفی حسینی مشهور به میرزابابا و متخلص به راز شیرازی (۱۲۰۰-۱۲۸۶ق) و سید جلال‌الدین محمد

شریفی حسینی مشهور به مجدالاشراف (متوفی ۱۳۳۱ق.) و متخلص به قدسی، که تولیت آستانه حضرت شاهچراغ (ع) را بر عهده داشته‌اند (رکن‌زاده، ۱۳۳۸: ۳/۳۱۴).

بعد از مجدالاشراف پسرش محمد حسین شریفی (م ۱۳۳۹ق)، و بعد سید محمدرضا (متوفی ۱۳۴۵ق) معروف به مجدالاشراف ثانی و بعد از او پسرش میرزا احمدآقا (متوفی ۱۳۵۱ق) متولی آستانه شاهچراغ شدند (همان: ۳/۳۱۶).

### تأثیر بقعه‌ی حضرت بر زندگی عامه مردم

هر جامعه از اقشار مختلف از جمله: زن، مرد، کارگر، مجرم، عالم، شاعر، هنرمند و ... تشکیل شده است. زندگی هر کدام از این افراد در تعامل با یکدیگر و جامعه است. در پژوهش حاضر سعی شده است تأثیراتی که وجود بقعه حضرت احمد بن موسی (ع) بر اقشار مختلف جامعه داشته است، بررسی شود. و در خلال مطالعات انجام شده در این راستا، تا حدی از این تأثیرات بر روی اقشار جامعه شناخته شد؛ که در زیر به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود:

الف) به نظر می‌رسد یکی از این آثار، حضور زنان در عرصه اجتماع می باشد؛ نمونه بارز آن «تاشی‌خاتون» است که پیش تر در مورد این بانو صحبت شد. تاشی‌خاتون مادر شیخ ابواسحاق بانویی بزرگوار بودند که در زمینه عمران و آبادانی مرقد حضرت احمد بن موسی (ع) زحمات و خدمات بسیاری را انجام داده‌اند. فعالیت‌های ایشان از یک سو به رونق و آبادانی مرقد حضرت کمک بسیاری کرد و از طرف دیگر ایشان را به عنوان بانویی فعال در عرصه اجتماع آن روزگاران (قرن هشتم) و بعد از آن نشان داد.

اقدامات این بانوی بزرگوار گسترش بقعه، ساختن مدرسه و کتابخانه در جنب بقعه، ساخت مدفن خود در جنب بقعه (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۱۹۹)، وقف ملک میمند و قرآن سی‌پاره (معاونت موقوفات، ۱۳۹۰: ۲۰)، انجام مراسم باشکوه زیارت شب‌های دوشنبه برای



حضرت، احترام به سادات و دادن طعام به زائرین و مسافران در بقعه بوده است (ابن بطوطه، ۱۳۳۷: ۲۰۵).

بنابراین با انجام این اقدامات علاوه بر اینکه موقعیت خود را به عنوان یک زن در جامعه آن روز بالا برده است از طرف دیگر الگویی شده برای زنان دیگر که بیشتر در صحنه اجتماع حضور پیدا کنند.

در این جا بیان مطالبی از زبان ابن بطوطه در سفرنامه‌اش در مورد این الگوپذیری چندان بی‌ربط نیست زمانی که همزمان دوران تاشی خاتون، از زنان شیراز صحبت می‌کند و در مسجد جامع که نزدیک به آرامگاه بوده حضور پیدا می‌کند و در مورد حضور زنان در جامعه، می‌گوید: «مردم شیراز و خصوصاً زنان آن شهر به زیورصلاح و سداد و دین و عفاف آراسته‌اند. زنان شیرازی کفش به پا می‌کنند و هنگام بیرون رفتن از منزل خود را می‌پوشانند و بُرَق بر رخ می‌افکنند به طوری که چیزی از تن آنان نمایان نمی‌شود. زنان شیرازی صدقه و احسان زیاد می‌دهند و از غرائب رسوم ایشان این است که روزهای دوشنبه و پنج‌شنبه و جمعه در جامع بزرگ شهر برای استماع بیانات واعظ گرد می‌آیند و گاهی هم عده حاضرین این مجالس به هزار یا دو هزار تن می‌رسد و از شدت گرما هر کدام با باد بزننی که به دست دارد خود را باد می‌زند و من در هیچ شهری ندیدم که اجتماعات زنان به این انبوهی باشد» (همان: ۱۹۴).

ب) از دیگر آثار بقعه که می‌توان بر روی قشرهای جامعه برشمرد این است که باعث به وجود آمدن مشاغل و مناصب با کشف مرقد و ساخت بقعه‌ی حضرت، شد که علاوه بر تأثیرات اقتصادی از لحاظ اجتماعی در شیراز تأثیرگذار بوده است. مشاغل و مناصبی مثل: متولی، خادم، مؤذن، حفاظ (حافظ قرآن) دربان، فرآش، کفشدار، کلیددار، یساول، امام جماعت، داروغه، مشاور موقوفات و... همچنین در صحن مطهر هم حجره‌هایی به وجود آمد که افرادی در آن‌ها مشغول به کار شدند. زرکوب شیرازی در *شیرازنامه* بعد از اقدامات تاشی خاتون می‌گوید: «... و جماعتی تمام از صلحا و عباد و متصوفه و گروهی از علما و ائمه عظام هر یک

علی قدر حالهم و مراتبهم در آن بقعه شریفه مقرر فرموده و اکنون در مجموع مواضع و مشاهد بدین رونق مزاری معتبر کسی نشان نداده» (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۱۹۹).

ابن بطوطه در سفرنامه خود هنگام دیدار از آستانه حضرت شاهچراغ (ع) می‌گوید: «دسته-ایی از قاریان همواره بر سر تربت قرآن می‌خوانند» (ابن بطوطه، ۱۳۳۷: ۲۰۵) و در جایی دیگر می‌گوید «قاریان با آهنگ‌های خوش به قرائت قرآن مشغول هستند» (همانجا). و بعد از اشاره به مراسمی که توسط تاشی خاتون برگزار می‌شود و بعد از اطعام، می‌گوید که واعظی بر بالای منبر می‌رود (همانجا).

زمانی که میرزا حبیب الله شریفی موقوفات آستانه را تجدید می‌کند و خود موقوفاتی بر آن اضافه می‌کند افرادی را به عنوان مشاور بر موقوفات و درآمد و هزینه‌های آن نظارت داشته‌اند، منصوب می‌کند، فردی به نام خواجه مظفر الدین علی به عنوان معمار سرکارگر معین می‌کند (معاونت موقوفات، ۱۳۹۰: ۴۰).

کتاب تذکره *مرآت الفصاحه* شیخ محمد مفید متخلص به «داور» از شاعران شیرازی، در مشاغل بعضی از شعرا چنین آمده است: محمد حسین افسوس شیرازی، شغلش در اوایل مسگری و در اواخر مؤذنی بقعه شاهچراغ بوده است (مفید، ۱۳۷۱: ۶۰). یکی از شاعران دیگر شیرازی که نام اصلیش ملامصطفی ابن‌آقا محمد باقر (مؤذن شیرازی) بوده است، سیمت مؤذنی شاهچراغ را داشته است (همان: ۶۲-۶۳). در مورد تسلی شیرازی می‌گوید که شغلش صحافی بوده است و در صحن بقعه امامزاده احمد بن موسی (ع) حجره صحافی داشته است (همان: ۱۱۹). میرزا محمود بن میرزا احمد تقی متخلص به خادم از خدام آستانه حضرت شاهچراغ بوده است (همان: ۳۸۴). ملا محمدباقر ملقب شمر الممالک از ذاکرین و تعزیه‌خوانان قرن سیزدهم و اوایل قرن چهاردهم بوده است و در سال ۱۳۱۸ق. نصیرالملک وزیر فارس او را به دلیل اینکه در تعزیه‌ها نقش شمر را بازی می‌کرده است لقب شمر الممالک می‌دهد و همچنین ایشان را به سمت داروغه صحن حضرت شاهچراغ منصوب می‌کند (همان: ۳۲۷). هم‌چنین خادم شیرازی

میرزا محمدتقی معروف به میرزابابا، کلیددار آستانه شاه‌چراغ بوده است (همان: ۱۷۶). همچنین برای ساخت، گسترش و آبادانی بقعه از همان ابتدای ظاهر شدن مرقد، معمار، بنا، کاشی‌کار، آیین‌کار، و... مشغول به کار بوده‌اند.

ج) تدفین افراد خاص جامعه مانند: عالم، شاعر، نویسنده، متولی، حاکم، افراد وابسته به خاندان حکومت و... در قسمت‌های مختلف آستانه حضرت احمد بن موسی (ع) مانند: حرم، رواق و صحن و... از آثار وجود این بقعه می‌باشد.

ابتدا ذکر این مطلب لازم است که: مطالعاتی که در مورد موقعیت قبرستان در شهرهای ایران پس از اسلام انجام گرفته حاکی از آن است شکل‌گیری این فضا حتی‌الامکان در کنار اماکن مقدس بوده است (حقیق، ۱۳۹۰: ۸۳). از اوائل صدر اسلام ایرانیان توجه و علاقه‌ای به اهل بیت داشته‌اند، در طول عمر آرزوی اکثر ایشان زیارت قبور ائمه اطهار بوده است، مراسم سوگواری ایشان در هیچ کشور اسلام به عظمت مجالس ایرانیان برپا نمی‌گردید حتی آرزوی ایشان این بود که بعد از مرگ جسدشان در کنار مرقد ائمه اطهار و امامزادگان دفن شود. به مرور زمان دفن شخصیت‌های بزرگ و ارزشمند در بقاع متبرکه تبدیل به یک ارزش اجتماعی شد.

بعد از کشف مرقد فرزندان امام موسی کاظم (ع) در شیراز بسیاری از شخصیت‌های بزرگ در جوار مرقد مطهر ایشان به خاک سپرده شدند و قبور این امامزادگان پناهگاه اجساد بزرگانی است که بسیاری از آنها ناشناخته مانده است.

در تذکره هزار مزار آمده است که تاشی‌خاتون در سال ۷۵۰ق. بعد از این‌که بقعه‌ی حضرت احمد بن موسی (ع) را گسترش داد مدفن خود را در جوار آن ساخت (جنید شیرازی، ۱۳۶۴: ۳۳۷). بعد از آن، اشخاص سرشناس را معمولاً در بقعه مطهر شاه‌چراغ (ع) دفن می‌کردند که از آن‌ها اطلاع چندانی در دست نیست. بنابراین نه تنها این مکان از نظر وجود مرقد حضرت احمد بن موسی (ع) قداست دارد بلکه گوشه گوشه‌های آن مدفن بزرگانی است که هر یک

چراغ تابان نورافزایی برای عصر خود بوده‌اند. در زیر برخی از این افرادی که در آستانه حضرت شاهچراغ دفن هستند را نام می‌بریم.

همانطور که گفته شد تاشی خاتون برای خود در کنار بقعه ی حضرت (ع) مقبره‌ایی ساخته بوده که در آن دفن شود. «عبدالله بن علی بن احمد البحرانی صاحب کتاب لؤلؤ در زمان حکومت نادرشاه در شیراز درگذشت و در قبه حضرت شاهچراغ دفن شد» (موسوی خوانساری، ۱۳۲۲: ۲۵۴). میرزا علی‌خان نیشابوری که در سال ۱۱۱۶ق. به خواهش سلطان حسین صفوی از مکه به عراق عرب آمد از اصفهان گذشته به مشهد می‌رود. مدتی را در مشهد می‌ماند و مقداری زمین در نیشابور خریده و وقف می‌کند و بعد از اینکه نادرشاه افشار املاک موقوفه را تبدیل به خالصه می‌کند، به اصفهان بر می‌گردد و بعد از مدتی به شیراز که موطن اصلی اجدادش بود، می‌آید و در سال ۱۱۱۸ق. از دنیا می‌رود و جسد او را در بقعه حضرت شاهچراغ (ع) دفن می‌کنند (حسینی فسایی، بی‌تا: ۸۶).

از شاعران شیراز میرزا ابوالقاسم سکوت، میرزا شفیع وصال شیرازی (وفات ۱۲۴۶ق.)، حکیم فرزند وصال (وفات ۱۲۷۴ق.)، داوری فرزند وصال (وفات ۱۲۸۳ق.) و توحید فرزند وصال (وفات ۱۲۸۶ق.) که از قصیده‌سرایان و غزل‌سرایان نامی شیراز بودند در جوار مرقد حضرت احمد بن موسی (ع) دفن شده‌اند (همان: ۶۹-۶۴).

از خاندان زند جعفرخان فرزند صادق خان (گلستانه، ۱۳۳۴: ۳۵۱)، ابوالفتح خان زند فرزند کریم خان زند (همان: ۴۵۹)، صادق خان برادر کریم خان زند در حرم شاهچراغ مدفون هستند (نیری، ۱۳۸۳: ۲۴۶).

سید جلال‌الدین محمد شریفی حسینی، ملقب به مجدالاشراف متولی آستانه حضرت شاه-چراغ، مؤلف آثار الاحمدیه، عارف و حکیم بزرگ سده سیزده و چهارده بود. وی در سال ۱۲۴۳ق. در شیراز متولد گردید. پدرش عارف بزرگ سده سیزدهم بود، مادرش نیز از سادات شریفی حسینی بود، رحلت او در سال ۱۳۳۱ قمری واقع گردید و مزار

شریفش در اطاقی ویژه در حرم مطهر احمد بن موسی (ع) قرارداد (همانجا). میرزا محمدرضا شریفی حسینی برادر مجد الاشراف هم در حرم مدفون می‌باشد (همانجا). میرزا محمدحسین محمد شریفی حسینی از متولیان آستانه، که در حرم دفن شده است (همانجا). از دیگر مدفونین حرم، وقار شیرازی، فرزند وصال شیرازی شاعر و خطاط در گذشته به سال ۱۲۹۸ق. (همانجا)، میرزا حبیب الله شریفی که در سال ۸۲۵ق. دیده به جهان گشود، وی به سال ۹۲۰ق. در سن ۹۵ سالگی وفات یافت. در بخش کفش‌کن بقعه‌ی پایین ضریح حرم مطهر رو به ضلع شرقی مدفون هستند (گرفته شده از پایگاه اینترنتی شاهچراغ).

عسکرخان که به سال ۱۲۵۵ق. در شهرستان فیروزآباد دیده به جهان گشود، یکی از مشهورترین مدفونین در حرم مطهر حضرت شاهچراغ (ع) از کلاتران بسیار معروف و در عین حال شجاع و دیندار ایل عرب باصری بوده و درب مشهور به عسکرخانی را که از جنس نقره می‌باشد و درب جنوبی حرم مطهر که از آن سمت به رواق جنوبی پایین پا وارد می‌شوند که محل دفن عسکرخان نیز در این قسمت قرارداد. وی به سال ۱۳۳۰ق. در سن ۷۵ سالگی بدرود حیات گفت (همانجا). تعداد مدفونین آستان حضرت شاهچراغ بسیار زیاد می‌باشد که نام بردن از تک تک آنها از حوصله بحث خارج است.

د) از آثار دیگر که می‌توان در ذیل بحث حاضر گنجانند؛ پناهنده شدن مجرمان به بقعه حضرت شاهچراغ، برای مصونیت از مجازات بوده است. در گذشته مجرمان برای مصون ماندن از مجازات به امامزاده‌ها پناه می‌بردند، در بعضی اوقات مجرم به دلیل بست طولانی و غلبه گرسنگی و... حاضر به شکستن بست می‌شد، چون مجرمی که بست می‌نشسته، توسط مأموران دولتی تحت نظر بوده و حتی آب و غذا به او نمی‌رسیده است (خوش‌افتخار، ۱۳۸۴: ۳۸). در شیراز هم اگر شخصی قاتل بود یا دزدی کرده بود و یا جرم دیگری مرتکب می‌شد برای این که از اذیت و آزار و مجازات مصون بماند به حرم حضرت شاهچراغ (ع) پناه می‌برد. در زیر به چند نمونه از این نوع بست نشینی در دوران زند و قاجاریه اشاره می‌کنیم:

۱- در کتاب گیتی‌گشا گزارشی از بست‌نشینی حاکم یزد آمده است که: در زمان کریم خان زند، کریم خان بافقی حاکم یزد مردی حيله‌گر بود و اموال مردم را تصاحب می‌کرد. مردم یزد نزد کریم خان می‌روند و از حاکم یزد شکایت می‌کنند که تقی‌خان مبلغ چهار هزار تومان را زیادتر از حساب مالیات و بدون دلیل از آن‌ها گرفته است. کریم خان زند از تقی‌خان می‌خواهد که توضیح دهد اما تقی‌خان این ادعا را انکار می‌کند و شکایت را به محکمه شرع می‌برند و با بررسی‌هایی که انجام می‌شود، کل مبلغ پولی که باید کریم خان بافقی به مردم یزد بدهد بیست و چهار هزار تومان می‌شود. ولی، خان مزبور این مبلغ را انکار می‌کند و مدعیان هم نمی‌توانند این ادعا را ثابت کنند و ادعای ضد و نقیض ایجاد می‌شود که حاکم شرع نمی‌تواند به این غائله خاتمه دهد (نامی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۷۸-۷۷). نتیجه این می‌شود که «حسب الشرع هشت هزار قَسَم به جانب خان و اجرای آن را بر ایشان متحتم شده بود» (همان: ۷۸). مکانی که برای خوردن قسم باید با آن‌جا می‌رفت مرقد حضرت احمد بن موسی شاهچراغ(ع) بود. «محصلین که به جهت اتمام این مهم و تدبیر این بلائی مبرم مقرر بودند، خان مزبور را به آستانه شاهچراغ که تربت یکی از اخلاف امام موسی کاظم(ع) و ملاذ اصاغره و اعظام است برده جناب خان عالی شأن سه روز و سه شب در ازای غذای چاشت و شام قسم میل فرمودند و در ظرف آن مدت از آغاز فلق تا به انجام شفق به جای هر نوع از کلام تلفظ به اسماء جلاله می‌نمودند. هشت هزار قَسَم و بیست و چهار هزار تومان دینار و درم را به یک جا نوش جان کرد» (همان: ۷۹).

۲- فارسنامه که یکی از منابع بسیار قوی و ارزشمند می‌باشد که در دوره قاجاریه در شیراز نگاشته شده، بیان می‌کند که: قبل از این که معتمدالدوله (حاکم قبل از ظل‌السلطان) حاکم فارس شود فردی به نام پنجعلی ابوالوردی در شیراز بوده است که به راهزنی مشغول بوده است و با آمدن معتمدالدوله به شیراز، پنجعلی دست از راهزنی برداشته و به پيله وری مشغول می‌شود. در سال ۱۲۹۸ق. با آمدن ظل‌السلطان به شیراز، میرزا فتحعلی خان قوام‌الملک از جانب او پیشکار و

وزیر فارس می‌شود و درصدد گوش‌مالی پنجعلی بر می‌آید و در جمادی الاول ۱۲۹۸ق. خانه او را محاصره می‌کند، پنجعلی فرار می‌کند و به آستانه شاهچراغ پناه می‌برد. سه، چهار روز بعد، به او اطمینان می‌دهند که در امان است از شاهچراغ به منزل خود باز می‌گردد (حسینی فسایی، ۱۳۷۸: ۸۹۳/۱).

چند نمونه دیگر از این نوع بست‌نشینی را از کتاب وقایع الاتفاقیه (کتابی در مورد گزارشات خفیه‌نویسان انگلیس در شیراز در دوران قاجار) ذکر می‌کنیم: «در محرم ۱۲۹۱ هـ ق چند نفر الواط شبانه با هم مست می‌شوند در بین مستی یکی از آن‌ها دیگری را می‌کشد و قاتل در شاهچراغ بست می‌نشیند» (سعیدی سیرجانی، ۱۳۶۱: ۵). و: «در رمضان سال ۱۳۰۸ق. در محله سردزک شب هنگام چند نفر در خانه‌ای مجلس شربی داشته آخر مجلس به هم ریخته‌اند با کارد و قمه زخم به یکدیگر زده اند، پنج نفر زخمی شده‌اند. همان شب حاجی آقاجان فراش باشی بیگلربیگی را اخبار می‌دهند خواسته آن‌ها را بگیرد اهل مجلس از زخمی و غیر زخمی گریخته رفته‌اند در شاهچراغ بست نشسته‌اند. فراش بیگلربیگی دور آن‌ها هست که به دست بیاورد» (همان: ۳۷۷-۳۷۸). مورد دیگر این‌که: «دو نفر در شاهچراغ با یکدیگر نزاع کردند یک نفر از آن‌ها کشته می‌شود و خانواده‌اش قاتل را تعقیب می‌کنند در همان جا بست می‌نشیند و او را در حجره حبس می‌کنند (همان: ۳۱۷-۳۱۶). در صفر سال ۱۳۱۸ق. زنی دزدی می‌کند او را می‌بینند فرار می‌کند و در شاهچراغ بست می‌نشیند (همان: ۶۱۳).

و) از آثار دیگر، تأثیر موقوفات حرم بر زندگی اقشار مستضعف و مستمند، بیماران و طالبان علم جامعه است. در وقفنامه حبیب الله شریفی در مورد صرف ده قسمت در آمد اراضی موقوفی برای کمک به فقرا و مستضعفان چنین آمده است: «سه قسمت از ده قسمت صرف تعمیرات و نگه داری بقعه شریفه، روشنایی بارگاه و همچنین صرف پخت و پز برنج یا آش برای فقرا و مستمندان، هر روز به مقدار دو من برنج طبخ شود و ده من نان به مساکین و فقرا بدهند. و یکصد پیراهن و زیرجامه و سی پافزار (کفش) هر سال به زوار فقیر و بی‌بضاعت که

قدرت مالی ندارند بدهند» (معاونت موقوفات، ۱۳۹۰: ۴۰). با مشاهده موزهی آستان در حال حاضر، شاهد جزوات و کتاب‌هایی در زمینه فقه، کلام، تفسیر و... خواهیم شد؛ که توسط افراد و در زمان‌های مختلف وقف بر کتابخانه آستان شده است که مورد استفاده طلاب علوم بوده است و در پیشرفت علمی آن افراد تأثیرگذار بوده است. بررسی این موضوع معلوم خواهد کرد که چه ثمرات فرهنگی، بهداشتی و امنیتی در جوامع اسلامی داشته و چه عالمان بزرگی از رهگذر همین موقوفات به مقام‌های بلند علمی نائل آمده و چه خدماتی در پیشرفت فرهنگ و تمدن بشری انجام داده اند.

#### تأثیر بقعه‌ی حضرت بر ایجاد مراکز اجتماعی

به نظر نگارنده بقعه‌ی حضرت احمد بن موسی (ع) در بین محله‌های بازار مرغ، محله اسحاق بیگ، محله لب‌آب، محله سردزک و محله درب مسجد، از همان ابتدای کشف مرقد تا دوران معاصر به دلیل موقعیت مرکزی و مذهبی‌اش باعث ایجاد مراکز اجتماعی که مورد استفاده عموم مردم قرار می‌گرفته محلات شده است. این مراکز مکانی برای تجمع افراد به منظور انجام کارهای مختلف بوده و در نتیجه این تجمع، افراد با یکدیگر در ارتباط و تعامل بوده‌اند. نمونه این مراکز، مدارس علمیه، مساجد، حمام‌ها، کاروان‌سراها و کتابخانه بوده است، که هر کدام تأثیر به‌سزایی در زندگی اجتماعی مردم شیراز داشته‌اند.

**الف) مدارس:** این اماکن علاوه بر کارکردهای مذهبی، کارکردهای اجتماعی، داشته‌اند و از جنبه اجتماعی اماکنی برای تجمع افراد خاص از جمله، طلاب و روحانیون می‌باشند. مدارس علمیه مخصوص طلاب دینی و مدرس‌هایی می‌باشد که براساس نظام آموزشی معلم و شاگردی با یکدیگر در ارتباط‌اند. این مدارس مراکزی‌اند که مقام مدرس‌ها را بالا برده و موقعیت اجتماعی ایشان را مشخص می‌کند. همان‌طور که گفته شد حرم حضرت احمد بن موسی (ع) به دلیل موقعیت مذهبی باعث به وجود آمدن و تأسیس مدارس علمیه مختلف در محدوده اطراف



خود شده است. عالمان بسیاری در این مدارس، طلب علم را سیراب کرده‌اند. آثار اجتماعی این مدارس به اندازه آثار مذهبی‌اش در شیراز تأثیرگذار بوده است. در مدرسه ایی که توسط تاشی‌خاتون در جوار بقعه‌ی حضرت احمد بن موسی (ع) ساخته می‌شود به مسافران غذا می‌داده است (ابن بطوطه، ۱۳۳۷: ۲۰۵).

مدرسه منصوریه در زمان آق‌قویونلوها توسط سید صدرالدین دشتکی ساخته شده است. وی از سادات خاندان دشتکی است که با بیست و چند واسطه به زید بن علی بن حسین (ع) می‌رسد. دوران حیات او مصادف با فرمانروایی حسن بیگ و یعقوب میرزا بود. از لحاظ مالی فرد متمکن بوده و در سال ۸۸۳ق. دو هزار ذرع از املاک دشتک را خرید تا مدرسه بزرگ منصوریه را در آن بنا نهد (بهارزاده، ۱۳۸۷: ۱۳۹). سادات دشتکی از قرن پنجم به شیراز آمده‌اند و در قرون بعدی، فرزندان آنان خانواده معروفی را تشکیل دادند. نسب ایشان به زید بن علی بن الحسین (ع) می‌رسد (همان: ۱۴۰).

از جمله عالمانی که در این مدرسه تحصیل کرده‌اند: غیاث‌الدین منصور، فرزند ارشد صدرالدین محمد، حاج محمود نیریزی، مظفرالدین علی بن محمد شافعی شیرازی، تقی‌الدین ابوالخیر محمد بن محمد بن محمد الفارسی، ملاشمس‌الدین محمد بن احمد خفری (همان: ۱۵۵-۱۵۴) و ... هستند که برای تحصیل علوم دینی در مدرسه منصوریه به شیراز آمدند و در شیراز اقامت گزیدند. بنابراین بیشتر سادات و علمای شیراز به خاطر تحصیل علوم دینی به شیراز مهاجرت کرده‌اند، زیرا مدارس متعدد علوم دینی در شیراز این امکان را برای آن‌ها فراهم می‌کرده است. وجود این مدارس در محلات اطراف بقعه‌ی حضرت احمد بن موسی (ع) و هم چنین وجود مقدس بقعه‌ی حضرت احمد بن موسی (ع) باعث تجمع روحانیون و علما در این محلات بوده است. در دوران معاصر هم با ساخت حوزه‌های علمیه جدید در محدوده حرم مانند حوزه علمیه شهید دستغیب، حوزه علمیه ولی عصر و.. روحانیون بسیاری در محلات اطراف بقعه‌ی ساکن شده‌اند.

ب) کتابخانه یک نهاد بسیار مهم اجتماعی است که باعث ترویج فرهنگ کتابخوانی در جامعه می‌شود. در طول تاریخ کتابخانه به صورت محدود یا نامحدود، ملازم آموزش بوده است و میان رشد کتابخانه و آموزش یک جامعه، رابطه و نسبت مستقیمی وجود دارد که تبلور آرمان جاودانگی انسان برای گردآوری، منظم کردن، حفظ و اشاعه دستاوردهای علمی و معنوی بشر و بیشتر دانستن و آگاه شدن است و کتابخانه‌ها همواره از سرشتی آموزشی و پژوهشی برخوردار بوده‌اند.

کتابخانه در قلمرو تمدن اسلامی دارای ارج و منزلت بسیاری است. میراث عظیم فرهنگی مدونی که در طی اعصار و قرون بر جا مانده، مبین آن است که این نهاد اجتماعی در ادوار درخشان تمدن اسلامی فضیلت فراوانی داشته است و از ارکان اساسی جامعه محسوب می‌شده است. پایه شکوفایی علمی یک تمدن کتاب و بالتبع کتابخانه است و مسلماً می‌توان از این نظر به چگونگی و میزان رشد علم و عالمان در جامعه و تمدن اسلامی پی برد. هر زمان در قلمروی کتابخانه‌ها رشد کرده آن قلمرو به یکی از کانون‌های فرهنگی روزگار نیز تبدیل شده است. کتابخانه‌ها را غالباً خلفا، امیران، علما و ثروتمندان ایجاد می‌کردند و ساختمان‌هایی برای آن‌ها ایجاد کرده، این ساختمان‌ها را به مساجد و یا مدارس ملحق می‌کردند که درهایشان به روی طالبان علم گشوده بود.

غالباً تکایا و بقاع متبرکه کم و بیش کتابخانه‌ای داشته‌اند، آستانه شاهچراغ (ع) از نظر موقعیت خاصی که داشته است قطعاً دارای کتابخانه بوده است. قدمت کتابخانه شاهچراغ (ع) به دوران تاشی‌خاتون مادر شاه ابواسحاق اینجو در سال ۷۴۴ق فارس برمی‌گردد. در واقع به هنگام ساخت قبه و گنبد برای مرقد حضرت احمد بن موسی (ع) بخشی از این بارگاه به احداث مدرسه‌ای اختصاص می‌یابد که تاشی‌خاتون در آن کتابخانه‌ای تأسیس می‌کند و مجموعه‌ای نفیس به آن اهدا می‌نماید. وی قرآنی مذهب در ۳۰ جزء به خط ثلث پیر یحیی جمالی صوفی، که با آب طلا به تاریخ ۷۴۶ق. نوشته شده بود وقف آن می‌کند (بهریزی، ۱۳۵۶:

(۷۲). کتابخانه‌ای که تاشی‌خاتون به تدریج با وقف قرآن و کتاب‌های دیگر فراهم ساخت از آسیب روزگار محفوظ نماند و با تغییر حکومت‌های محلی و مرکزی و وقوع جنگ‌های پی‌در-پی بخشی از منابع نفیس کتابخانه به یغما می‌رود و رونق خود را از دست می‌دهد. در آغاز سده دهم، کتابخانه بازسازی و احیا می‌شود. بعد از این تاریخ باز هم کتابخانه دچار فرودهایی می‌شود، پس از سال‌ها، به اهتمام سید جلال‌الدین محمد معروف به مجدالاشرف، متولی آستانه احمد بن موسی، در ۱۳۲۵ق. به منظور احیای رونق از دست‌رفته کتابخانه قدیم، مجموعه‌ای جدید شکل می‌گیرد. وی مردی فاضل و عارف بود که کتاب‌های بسیاری برای کتابخانه فراهم می‌کند و بر پشت جلد تمام آنها کلمه «وقف» را مُهر می‌کند. او علاوه بر تهیه کتب مزبور، رسالات و کتب تألیفی خود و کتاب‌هایی را که بر آنها شرح یا حاشیه نوشته بود، به مجموعه می‌افزاید (همان: ۷۲). در همان سال برای نخستین بار مصطفی مؤذن طبق فرمانی، به کتابداری آستانه مقدس احمدی منصوب می‌شود (همان: ۷۳). پس از وی به علت بی‌توجهی، بسیاری از کتاب‌ها پراکنده می‌شود. در ۱۳۴۳ش. به همت برادران شریفی، متولیان وقت بقعه شاه‌چراغ، کتابخانه با قریب یک هزار جلد کتاب باقیمانده در حجره‌ای احیا و رسماً در ۲۴ آبان ۱۳۴۴ش. افتتاح می‌شود (همانجا). سال ۱۳۵۶ش، هشتصد جلد کتاب خطی و بیش از هشت هزار جلد کتاب چاپی در کتابخانه شاه‌چراغ موجود بوده است. بسیاری از مراکز فرهنگی و نیکوکاران، کتابخانه‌های شخصی و یا کتاب‌های خطی و چاپی خود را تقدیم آستانه شاه‌چراغ کرده‌اند. از آن جمله می‌توان به کتابخانه مهدی کجوری اشاره کرد (همان: ۷۵).

### نتیجه‌گیری

بقعه‌ی حضرت احمد بن موسی (ع) در ارتباط با بقعه حضرت امام رضا (ع) در مشهد و حضرت فاطمه معصوم (س) در قم به سان ضلع‌های مثلثی می‌باشند که بر محیط اطراف خود تأثیرگذارند. بقعه حضرت احمد بن موسی (ع) در طول تاریخ پر فراز و نشیب شیراز، تأثیرات

چشمگیری بر این شهر و مردمان این شهر داشته است که این تأثیرات به جاهای دیگر استان فارس و همچنین ایران رسوخ کرده است. بقعه حضرت شاهچراغ در زندگی طبقات اجتماعی مختلف مردم شیراز و هم چنین در ایجاد نهادهایی با کارکردهای اجتماعی مؤثر بوده است.

تعدد مدرسه‌های علمیه به دلیل وجود بقعه حضرت شاهچراغ (ع)، در شیراز باعث تجمع سادات و علما شد که جهت تحصیل در مراکز علمیه از نقاط مختلف به شیراز مهاجرت کرده و اسکان یافتند. بخشی از آداب رسوم مردم شیراز تحت تأثیر وجود شخصیت و بقعه‌ی حضرت احمد بن موسی (ع) قرار گرفته است؛ از قبیل: عید نوروز، ازدواج، ترانه‌های محلی، واسونک‌ها، ضرب‌المثل‌ها، اعتقادات اهالی شیراز، ترانه‌های بومی، افسانه‌ها و... همچنین با بازدیدکردن سفرنامه‌نویسان خارجی از این بقعه و ثبت مشاهدات خود در نوشته‌هایشان فرهنگ متأثر از وجود بقعه‌ی حضرت به اقصى نقاط جهان منتقل شده است.

### منابع و مأخذ

- ابن بطوطه، ابو عبدالله محمد بن عبدالله (۱۳۳۷)، *سفرنامه ابن بطوطه*، ترجمه‌ی محمدعلی موحد، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- بهروزی، علی نقی (۱۳۵۶)، *تاریخچه کتابخانه‌ها و مطبوعات و چاپخانه‌های فارس*، بی‌جا: انجمن کتابخانه‌های عمومی شیراز.
- جنید شیرازی، عیسی (۱۳۶۴)، *تذکره هزار مزار (ترجمه شده‌الازار)*، تصحیح نورانی وصال، شیراز: کتابخانه احمدی.
- چهارزی، الیاس و همکاران (۱۳۹۱)، «تحلیلی بر توسعه گردشگری مذهبی (مطالعه موردی: شهرستان کاشمر)»، *اولین همایش ملی گردشگری و طبیعت گردی ایران زمین*: صص ۲۷-۱۵.
- حسینی شیرازی، سید منیرالدین (۱۳۸۳)، *خاطرات سید منیرالدین حسینی شیرازی*، تهران: مرکز انتشارات اسلامی.

- حقیر، سعید (۱۳۹۰)، «چگونگی ارتقاء گورستان‌ها در جوانب فرهنگی و اجتماعی توسعه پایدار شهری»، *باغ نظر*، ج ۱۷، ص ۸۳.
- خوش افتخار، هادی (۱۳۴۸)، «بست و بست‌نشینی در دوره قاجار»، *تاریخ پژوهی*، ج ۲۲ و ۲۳، صص ۳۱-۳۸.
- رکن‌زاده آدمیت، محمد حسین (۱۳۴۹)، *فارس و جنگ بین‌الملل*، ج ۱ و ۲، تهران: اقبال.
- زرکوب شیرازی، ابوالعباس معین‌الدین احمد (۱۳۵۰)، *شیرازنامه*، به کوشش اسماعیل واعظی، بی‌جا: بنیاد فرهنگ ایران.
- سعیدی سیرجانی، علی‌اکبر (۱۳۶۱)، *وقایع اتفاقیه (مجموعه گزارشهای خفیه‌نویسان انگلیسی در ولایات جنوبی ایران از سال ۱۲۹۱ تا ۱۳۲۲ قمری)*، تهران: نشر نو.
- کلانتر، میرزامحمد (۱۳۶۲)، *روزنامه میرزامحمد کلانتر فارس*، به تصحیح عباس اقبال آشتیانی، بی‌جا: انتشارات کتابخانه سنایی و طهوری.
- گلستانه، ابوالحسن (۱۳۳۴)، *مجموعه التواریخ*، به اهتمام مدرس رضوی، تهران: کتابخانه ابن‌سینا.
- معاونت موقوفات و نذورات آستان مقدس احمدی و محمدی (۱۳۹۰)، *آشنایی با واقفین و نیت آنها*، شیراز: نوید.
- مفید، محمد (۱۳۷۱)، *تذکره مرآت الفصاحه*، تصحیح محمود طاووسی، شیراز: نوید.
- موسوی‌خوانساری، میرزا محمدباقر (۱۳۲۲ق)، *روضات الجنات فی الاحوال العلما و السادات*، جلد ۴، تحقیق اسد الله، قم: نشر مکتب اسماعیلیان.
- نیری، محمدیوسف (۱۳۸۳)، *دو رساله در حالات و کرامات حضرت شاهچراغ (ع)*، شیراز: دانشگاه شیراز.